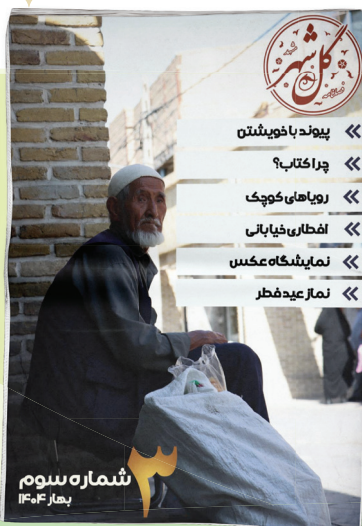




مستند

سال ۱۴۰۱ خبری به گوش مرضیه می‌رسد که خیلی خوشحال می‌شود؛ خبری درباره اینکه اتوبوس‌های ویژه معلولان ویلچری به مشهد وارد شده‌اند. خوشی‌ای که البته ادامه ندارد؛ چون هیچ‌کدام از این اتوبوس‌ها سهم گلشهر نمی‌شود. مرضیه و دوستانش تصمیم می‌گیرند مستندی از این وضعیت بسازند. نیتشان هم این بوده‌است که وضعیت و مشکلاتشان دیده شود و مسئولان، اتوبوس‌های ویژه را به گلشهر هم اختصاص دهند. در این مستند، مرضیه با ویلچرش حاشیه بزرگراه شهید بابانظر جلو بازار ملل در ایستگاه اتوبوس به انتظار اتوبوسی نشسته‌است که با ویلچرش سوار آن شود. اما اتوبوس‌های یکی می‌آیند و می‌روند و تنها او در ایستگاه می‌ماند. او این مستند را برای جشنواره «ارغوان» ویژه معلولان می‌فرستد و برگزیده می‌شود. مرضیه می‌گوید: این اتوبوس‌ها رمپی دارد که خودکار بازمی‌شود و هرکس ویلچر دارد، می‌تواند سوار اتوبوس شود. البته که تنها برای ویلچری‌ها نیست و سالمندان، کودکان و مادرانی که کالسکه دارند هم راحت‌تری می‌توانند سوار اتوبوس شوند؛ افرادی که در محدوده گلشهر کم نیستند. او ادامه می‌دهد: اگر یک اتوبوس به گلشهر اختصاص بدهند و تنها چند بار در روز آن هم در حاشیه بزرگراه توقف کند هم راضی هستیم. اگر تردید اتوبوس منظم باشد، به حرم مطهر یا بوستان‌های سرسبز مشهد سر می‌زنم.

روایتگر زندگی ویلچری‌ها

مهم‌ترین آرزوی مرضیه این است که درمان شود و سلامتی‌اش را به دست آورد. ولی درمان این بیماری مستلزم مهاجرت است. او می‌گوید: جایی شنیده‌ام که اتحادیه اروپا اعلام کرده‌است داروی مخصوص این بیماری را ساخته‌اند. دلم می‌خواهد به استرالیا یا کانادا بروم، چون طبق گفته برادرم، آنجا بیماران توجه ویژه‌ای می‌شود. دلم برای روزهایی که با پاهایم راه می‌رفتم، تنگ شده‌است و دلم می‌خواهد دوباره در کوچه‌های گلشهر راه بروم و بدوم. او آرزو دارد برود. درمان شود اما دوباره به گلشهر برگردد. مرضیه می‌گوید: زندگی دور از این مردم برایم متصور نیست.

آرزو دارم دوباره بدوم



«سهم من از شهر»
برای دیدن مستند مرضیه میرزاپور درباره مناسب نبودن اتوبوس‌های گلشهر برای معلولان، این‌کد را اسکن کنید.



فصل دوم

نشریه «گل‌شهر»

●● شهرآرا، محله مشوق خبرنگاری

«گلشهر محلی‌است که در آنجا به دنیا آمدم و در یک کلام برای من یعنی وطنم». صحبت درباره گلشهر را با این جملات ادامه می‌دهد: از نظر من اهالی گلشهر کمی مهربان‌تر و حمایتگر هستند. همیشه مردم این قسمت از شهر به رویم لبخند می‌زنند و این طرف و آن طرف، مردم سر صحبت را با من بازی می‌کنند و چند جمله روحیه بخش می‌گویند؛ طوری که انگار دخترشان هستم. ایده نشریه گل‌شهر از زمانی شکل می‌گیرد که شهرآرامحله در اسفند ۱۴۰۰ برای گزارش ویژه روز مادر با مادر مرضیه گفت‌وگو می‌کند. مادر مرضیه به دلیل نگهداری و مراقبت از چند معلول، موضوع این گفت‌وگو بود. مرضیه می‌گوید: زمانی که به منزل ما آمده بود دید و صحبت کردید. مادر من خیلی خوشحال شده بود. طوری که دلم می‌خواست همان ذوق و شوق مادر را در چهره بقیه مردم هم ببینم. برای همین سه سال پیش در کلاس‌های خبرنگاری روزنامه قدس شرکت کردم. او ادامه می‌دهد: آن دوره که تمام شد، خواستم حتماً نتیجه‌ای داشته باشم. برای همین طرح نشریه گل‌شهر را به روزنامه قدس و به دفتر تسهیلگری گلشهر ارائه کردم. طرح تأیید و قرار شد با استفاده از ظرفیت بومی به سرانجام برسد. محتوا تماماً به عهده خودمان بود و صفحه‌آرایی را روزنامه قدس انجام داد.

●● نشریه در دستان مردم گلشهر

مرضیه میرزاپور، سردبیر این نشریه، با همکاری نویسندگان و عکاسان گلشهر، کارش را شروع می‌کند و تاکنون سه شماره از این نشریه را به چاپ رسانده‌اند. شماره اول با مشقت زیاد و پس از دو ماه تلاش شبانه‌روزی سرانجام در بهار سال ۱۴۰۲ به چاپ می‌رسد. مرضیه می‌گوید: فرایند کار آن قدر سخت شد که عده‌ای از دوستانم خسته شدند و رفتند. برات رستمی، فرزانه لکزایی و کبری صفری باینکه نیاز مبرمی به درآمد داشتند، کار را رها نکردند تا نشریه چاپ شد. پس از چاپ شماره نخست، بازخوردهای خیلی خوبی می‌گیرند. مرضیه می‌گوید عکس جلد نشریه چشم‌نوازی می‌کرده و همین باعث شده‌است مسئولان سازمان بازآفرینی گرفته تا اهالی محلی، همگی دوستش داشته باشند. ۲ هزار نسخه چاپ می‌کنند که بخش عمده آن توسط همکاران نشریه در شلوغ بازار بین مردم توزیع می‌شود. قسمتی از آن هم در جشن ماه رمضان گلشهر و در غرفه نشریه بین مردم رایگان توزیع می‌شود. او می‌گوید: مردم دائم به ما روحیه می‌دادند و از کار ما تعریف می‌کردند. گاهی نقد هم می‌کردند تا کارمان بهتر شود. همه این اتفاقات خوب باعث می‌شود نیت کنند که شماره‌های بعدی را هم به چاپ برسانند. البته گویاتصور تحریریه نشریه این بوده که نشریه گلشهر فصل‌نامه است. اما بعد اعلام می‌کنند که قرار است به صورت سالانه چاپ شود. همین اتفاق باعث می‌شود کمی دلگير و دلسر شوند. شماره دوم در بهار ۱۴۰۳ به چاپ می‌رسد. اما از آن پس تصمیم می‌گیرند شماره‌های بعدی نشریه را با کمک بنیاد فرهنگی و اجتماعی افغانستانی‌های مقیم جمهوری اسلامی ایران به چاپ برسانند. مرضیه می‌گوید: آقای روح‌الله میرزایی، مسئول این بنیاد، خودش سراغمان آمد و پیشنهاد همکاری داد. شماره سوم این نشریه بهار امسال با حمایت بنیاد فرهنگی و اجتماعی افغانستانی‌های مقیم جمهوری اسلامی ایران در بهار ۱۴۰۴ به چاپ رسیده‌است.

